

تحلیل تطبیقی الگوی خودگردانی کردستان عراق با الگوهای خودمختاری و فدرالیسم

محمد رضا حافظ‌نیا^{۱*}، ری‌باز قربانی‌نژاد^۲، زهرا احمدی‌پور^۳

- ۱- استاد جغرافیای سیاسی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران
- ۲- دانشجوی دکتری جغرافیای سیاسی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران
- ۳- دانشیار جغرافیای سیاسی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران

دریافت: ۸۷/۹/۴ پذیرش: ۸۸/۴/۲۳

چکیده

کشورها برای سازمان‌دهی سیاسی فضای جغرافیایی خود، یکی از انواع مختلف الگوهای تک‌ساخت یا بسیط، فدرالی، خودمختاری و خودگردانی را به کار می‌گیرند. کشور عراق بعد از حمله آمریکا در سال ۲۰۰۳ میلادی، با نگرش جدید حاکمان آن به واقعیت‌های جغرافیایی، فرهنگی، قومی و زبانی این کشور و در نظر داشتن تجربه دوازده ساله خودگردانی کردها در شمال این کشور در طول دهه ۹۰ میلادی، الگوی فدرالیسم را برای اداره کشور انتخاب کرد. در این راستا تاکنون کردهای عراق توانسته‌اند در سه استان کردنشین شمالی این کشور یک ایالت فدرال را تأسیس کنند.

براین اساس، مقاله حاضر با بررسی واقعیت‌های موجود فدرالیسم در عراق و مطالعه ویژگی‌های ساختاری و کارکردی حکومت منطقه‌ای کردستان، درصدد پاسخ‌گویی به این سؤال اصلی تحقیق است که «وجه تشابه و تمایز الگوی خودگردانی کردستان عراق با الگوهای خودمختاری و فدرالیسم چیست؟». برای پاسخ به این مسأله از روش توصیفی-تحلیلی استفاده شده است. نتایج تحقیقی بیانگر آن است که الگوی کردستان عراق با وجود داشتن تشابهاتی با سایر الگوهای غیر متمرکز، از جهاتی نظیر برقراری روابط خارجی، داشتن نیروی دفاعی- نظامی موسوم به پیشمرگ یا حافظان اقلیم و... با آن‌ها متفاوت است، طوری که می‌توان برای آن وجود مستقلی در چارچوب الگوی مدیریت سیاسی فضا قایل بود.

کلیدواژه‌ها: مدیریت سیاسی فضا، فدرالیسم، خودمختاری، کردستان، عراق.



۱- مقدمه

مدیریت سیاسی فضا، از مهم‌ترین وظایف و مسؤولیت‌های هر حکومتی است. به طور معمول قدرت از جانب «ملت» برای اداره «کشور» و مدیریت سیاسی فضای آن به «حکومت» منتقل می‌شود. نظام‌های حکومتی نیز برای اداره قلمرو تحت حاکمیت خویش یکی از الگوهای بسیط یا تک‌ساخت، فدرال و ناحیه‌ای را به کار می‌برند. در الگوی تک‌ساخت کلیه مدیریت‌های محلی و تعیین میزان قدرت آن‌ها در اختیار حکومت مرکزی است (میرحیدر، ۱۳۸۲: ۴۸) و عناصر و نهادهای ساختاری حکومت، تک‌سطحی و منحصر به سطح ملی است. در حالی که در سیستم فدرال، نظام دولت دوسطحی است: سطح ملی یا فدرال و سطح منطقه‌ای یا ایالت. در هر کدام از این سطوح نهادهای متناظر حکومتی نظیر مجلس، دولت و قوای مقننه و مجریه و قضاییه وجود دارد (حافظنیا، ۱۳۸۱: ۴۲۳). در الگوی ناحیه‌ای که از خصیصه‌های هر دو الگوی تک‌ساخت و فدرال برخوردار است، به دلیل تفاوت‌های محلی و وجود اقلیت‌های فضایی در حاشیه یا درون کشور، نوعی خودگردانی و خود مختاری محلی و منطقه‌ای در آن برقرار می‌شود (حافظنیا، ۱۳۸۱: ۴۲۶).

کشور عراق از زمان تأسیس آن در سال ۱۹۲۱ میلادی تا سال ۱۹۹۱ میلادی یک سیستم تک‌ساخت و بسیط برای مدیریت سیاسی فضای داخلی خویش داشت که با واقعیت‌های جغرافیایی عراق، یعنی تفاوت‌های ناحیه‌ای و انسانی آن هم‌خوانی نداشت. کشور عراق در طول تاریخ هشتاد ساله خود همواره با دو شکاف عمده قومی و مذهبی روبه‌رو بوده است. شکاف عمده قومی در عراق، همان اختلافات ساختاری بین کردها و اعراب می‌باشد که از بدو ظهور این کشور مانع عمده‌ای بر سر راه ایجاد یک ملت واحد و یک‌دست تلقی شده است.

کردستان عراق با داشتن ۷۵۰۰۰ کیلومتر مربع حدود ۱۷ درصد از سرزمین عراق را شامل می‌شود (لازریف، ۱۳۸۱: ۶). این بخش از کشور عراق که به طور عمده مناطق شمالی و شمال شرقی این کشور را در بر می‌گیرد، با دارا بودن چیزی در حدود ۵۰ درصد از حوزه‌های نفت و گاز این کشور (احمدی، ۱۳۸۴: ۷۱) و نیز در اختیار داشتن مبدأ و سرچشمه بیشتر رودها و جریان‌های آبی عراق، نقش ژئوپلیتیکی و ژئواستراتژیکی ویژه‌ای را در جریان‌ها و وقایع سیاسی این کشور داشته است.

منازعات خشونت‌آمیز بین کردها و اعراب یکی از ویژگی‌های همیشگی نظام سیاسی عراق از ابتدای استقلال آن کشور به شمار رفته است، به نحوی که کردها طی هشت دهه گذشته یا پیوسته در حال جنگ و یا مشغول مذاکره برای خود مختاری با دولت مرکزی بوده‌اند. صرف ایجاد عراق به معنای نفی آرزوی کردها برای ایجاد کشوری مستقل بود، به این ترتیب ملی‌گرایی کرد و ملی‌گرایی عراق از ابتدا خود را در تضاد شدیدی با یکدیگر یافتند.

به دنبال شکست نیروهای عراقی از نیروهای ائتلاف به رهبری آمریکا پس از جنگ اول خلیج فارس در سال ۱۹۹۰، شورای امنیت سازمان ملل با تصویب قطعنامه ۶۸۸، درصدد ایجاد مناطق امنی در شمال و جنوب این کشور برای کمک به مردم آواره برآمد. منطقه امن کردستان عراق، سرزمین‌های واقع در شمال مدار ۳۶ درجه را شامل می‌شد که در پی آن استان‌های کردنشین سلیمانیه، اربیل و دهوک از نفوذ بغداد رهایی یافتند و کردها موفق شدند پس از برگزاری انتخابات پارلمانی به تاریخ ۱۹ مه ۱۹۹۱ میلادی یک دولت خود مختار منطقه‌ای با حضور اقلیت‌های آشوری و ترکمن در این مناطق تشکیل دهند (مک‌داول، ۱۳۸۳: ۵۹۵). به این ترتیب از سال ۱۹۹۱ تا مارس ۲۰۰۳، یعنی زمان حمله آمریکا و انگلیس به عراق، کردهای این کشور خودگردان و دارای نهادهای حکومتی مخصوص به خود بوده‌اند که این وضعیت بعد از سرنگونی رژیم بعث نیز در قالب فدرالیسم مصوب پارلمان این کشور هم‌چنان ادامه دارد.

۲- سؤال اصلی و فرضیه تحقیق

این تحقیق به دنبال پاسخ‌گویی به این سؤال اصلی است که «الگوی خودگردانی کردها در کردستان عراق با الگوهای فدرالی و خود مختاری چه تفاوت‌ها و تشابهاتی دارد؟» برای پاسخ به این سؤال فرضیه‌ای به شرح زیر ارائه شده است:

چنین به نظر می‌رسد که مدل کردستان عراق با وجود این که در موارد بسیاری نظیر برخورداری از یک نقطه مرکزی سیاسی، داشتن پارلمان و قوه مجریه محلی، داشتن قانون اساسی ویژه منطقه خویش، تهیه بودجه منطقه کردستان و تأسیس ادارات دولتی و استخدام کارمندان در سطح منطقه و... با سایر الگوهای غیر متمرکز تشابه دارد ولی با این حال از جهاتی چون برقراری روابط خارجی، در اختیار داشتن نیروی نظامی - دفاعی، توانایی پارلمان



کردستان در وتو کردن قوانین فدرال، در اختیار داشتن مدیریت ثروت‌های عمومی منطقه مثل نفت و گاز و ... با آن‌ها تفاوت دارد، به طوری که می‌توان برای آن وجود مستقلی در چارچوب الگوهای مدیریت سیاسی فضا قائل بود.

۳- روش تحقیق

این مقاله مبتنی بر روش توصیفی - تحلیلی بوده و روش جمع‌آوری داده‌ها و اطلاعات نیز به طور کلی بر مبنای روش کتابخانه‌ای است. در روش کتابخانه‌ای بیش‌تر بررسی اسناد و مدارک شامل قانون اساسی عراق و قانون اساسی پیشنهادی کردستان عراق، مراجعه به کتاب‌های داخلی و خارجی مربوطه، نشریات و مطبوعات، مقالات و مجلات، سایت‌های اینترنتی، اسناد حقوقی و استفاده از نقشه مورد تأکید قرار گرفته است. پس از گردآوری و طبقه‌بندی اطلاعات، تجزیه و تحلیل آن‌ها به طور عمده از راه توصیف و مبتنی بر تفکر و منطق و استدلال صورت گرفته است.

۴- مبانی نظری تحقیق

۴-۱- خودمختاری^۱

واژه خودمختاری در لغت از دو کلمه یونانی «Auto» به معنای خود و «Namos» به معنای قانون یا قاعده گرفته شده است. از این رو معنای اصلی این کلمه، حق تدوین و وضع قوانین بر خود است (امیدی، ۱۳۸۰: ۸۶). خودمختاری یکی از انواع ساختار غیرمتمرکز است. و میان آن دو رابطه عموم و خصوص وجود دارد؛ یعنی که هر سیستم خودمختاری، یک ساختار نامتمرکز محسوب می‌شود ولی هر ساختار نامتمرکز، خودمختاری نیست (خوبروی پاک، ۱۳۸۴: ۱۶۸). در این الگو دولت بخشی از قدرت سیاسی خود را به نواحی داخلی که از هویت قومی و فرهنگی خاص و هسته سیاسی ویژه برخوردارند، واگذار می‌کند (حافظنیا، ۱۳۷۹: ۱۷۱). سرزمین خودمختار، این اختیار را دارد که در امور فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی خویش نفوذ

1. Autonomy

و دخالت داشته باشد و دولت مرکزی حق و قدرت برقراری روابط خارجی و مشارکت در امنیت بین‌المللی را برای خود محفوظ می‌دارد.

انواع خودمختاری را به سه دسته مطالبه‌ای، توافقی و تفویضی تقسیم کرده‌اند. در خودمختاری مطالبه‌ای، یک منطقه جغرافیایی به‌نسب قدرتمند همراه با ساختار اکولوژیک منحصر به فرد با اعمال فشار به دولت مرکزی خواستار خودمختاری می‌شود که به طور معمول مورد پسند دولت مرکزی نیست و اغلب پس از دوره‌ای کشمکش، دولت مرکزی به ناچار با آن موافقت می‌کند؛ نظیر خودمختاری کردستان عراق در نیمه اول دهه ۱۹۷۰ میلادی ولی خودمختاری توافقی گویای درک هیأت حاکم از واقعیت تفاوت‌های جغرافیایی یا اصالت دادن به رشد و توسعه آن‌ها مبتنی بر مقتضیات محلی است. نظیر این نوع خودمختاری را می‌توان در انگلستان، دانمارک، فنلاند و... پیدا کرد. خودمختاری تفویضی ماهیتی کارکردی دارد و در آن دولت مرکزی با در نظر گرفتن ملاحظات سیاسی و اقتصادی، در چارچوب منافع ملی به بخش‌هایی از کشور نوعی خودمختاری اعطا می‌کند؛ نظیر مناطق آزاد تجاری و صنعتی در کشورهای مختلف (حافظ‌نیا و کاویانی‌راد، ۱۳۸۳: ۳۱-۳۲).

جدول ۱ ویژگی‌های الگوی خودمختاری (قربانی‌نژاد، ۱۳۸۷: ۷۲)

۱- دولت مرکزی بخشی از قدرت سیاسی خود را به نواحی داخلی که از هویت قومی و فرهنگی خاص برخوردارند، واگذار می‌کند.
۲- واحد خودمختار بدون آن که استقلال کامل داشته باشد می‌تواند به اداره داخلی خویش برحسب مقرراتی که خود وضع کرده است، بپردازد.
۳- نهادهای جامعه خودمختار مرکب از دو نهاد اساسی است: ۱- انجمن محلی برای وضع مقررات؛ ۲- نهاد اجرایی برگزیده از سوی انجمن محلی.
۴- واحد خودمختار این اختیار را دارد که در امور فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی خویش نفوذ و دخالت داشته باشد.
۵- حق برقراری روابط خارجی و مشارکت در امنیت بین‌الملل بر عهده دولت مرکزی است.
۶- دولت مرکزی حق بازبینی مقررات جامعه خودمختار و نیز انحلال تمام و یا قسمتی از نهادهای جامعه خودمختار را دارد.



۴-۲- فدرالیسم^۱

فدرالیسم شکلی از همبستگی و سازمان‌بندی سیاسی است که واحدهای حکومتی جداگانه موجود در نظام سیاسی جامع‌تری را به هم می‌پیوندد و به هر یک از آن واحدها امکان می‌دهد که تمامیت و یکپارچگی سیاسی اصلی خود را حفظ کنند (لیپست، ۱۳۸۳: ۹۸۷). در یک برداشت تطبیقی می‌توان فدرالیسم را در مفهوم کلی آن روش حکومتی دانست که براساس توزیع و اجرای سرزمینی قدرت سیاسی در یک جامعه استوار است.

ریشه و اساس‌گزينش فدرالیسم ممکن است در تمایل به حفظ گوناگونی‌های فرهنگی، مذاهب، زبان، نهادهای اجتماعی و قوانین حقوقی باشد یا این که ممکن است نتیجه ملاحظات تاریخی و یا سنتی سیاسی باشد که گوناگونی‌ها را به وجود آورده است (خوبروی پاک، ۱۳۷۷: ۲۸). فدرالیسم را جغرافیایی‌ترین رژیم در میان نظام‌های سیاسی نام گذاشته‌اند چون براساس تفاوت‌های ناحیه‌ای بنا شده است و گرایش‌های اجزای ترکیبی حکومت برای حفظ ویژگی فردی آن‌ها را به رسمیت می‌شناسد (میرحیدر، ۱۳۸۲: ۱۵۴). در نظام‌های فدرالی دو سطح حکومت به چشم می‌خورد. حکومت مرکزی و حکومت‌های ایالتی.

حکومت مرکزی در مورد مسائل عمده مربوط به منافع عمومی یا مشترک نظیر ارتش و امنیت، اقتصاد و مسائل مالی، نشان‌های ملی و سیاست‌های خارجی تصمیم‌گیری و اقدام می‌کند و حکومت‌های ایالتی تشکیل‌دهنده فدراسیون به مسائلی که از لحاظ محلی اهمیت دارند، می‌پردازند (عالم، ۱۳۸۰: ۳۳۹). در این الگو، دولت‌های ایالتی از شخصیت حقوقی و تعریف شده‌ای برخوردارند و حق وضع قوانین و سیاست‌های لازم و سازگار با هویت، فرهنگ و آداب و رسوم مربوط به خود را دارند. به طور کلی نظام فدرالیسم مبتنی بر سه اصل است:

الف- اصل تفکیک صلاحیت‌ها بین دولت فدرال و دولت‌های ایالتی؛

ب- اصل خود مختاری هر کدام از واحدهای فدرال؛

ج- اصل مشارکت هر یک از واحدهای فدرال در دولت مرکزی (خوبروی پاک، ۱۳۷۷: ۴۱)

1. Federalism

جدول ۲ ویژگی‌های الگوی فدرال (قربانی‌نژاد، ۱۳۸۷: ۶۲)

- ۱- وجود دو سطح حکومت در نظام فدرال : ۱- حکومت مرکزی ، ۲- حکومت ایالتی
- ۲- امور مشترک حکومت‌های ایالتی مانند دفاع، سیاست خارجی، ارتباطات، سیاست پولی و بانکی و گمرکی بر عهده حکومت مرکزی است.
- ۳- دولت‌های ایالتی حق وضع قوانین و سیاست‌های لازم و سازگار با هویت، فرهنگ و آداب و رسوم مربوط به خود را دارند.
- ۴- دولت‌های ایالتی از شخصیت حقوقی و تعریف شده‌ای برخوردارند.
- ۵- در این الگو وجود نهادهای دوگانه و دو سطحی با ساختار سه‌گانه و جداگانه حکومتی تصریح شده است.
- ۶- در هر دو سطح فدرال و ایالتی، مجلس قانون‌گذاری ویژه و دستگاه قضایی ویژه و دستگاه اجرایی خاص وجود دارد.
- ۷- روابط ایالت‌های فدرال با یکدیگر از حقوق داخلی پیروی میکنند.
- ۸- سرچشمه‌های قدرت در نظام فدرالیسم متعدّدند.
- ۹- در فدرالیسم هر یک از ایالت‌های عضو دارای قانون اساسی خود را دارند.
- ۱۰- نظام فدرالیسم مبتنی بر سه اصل است: الف- اصل تفکیک صلاحیت‌ها بین دولت فدرال و دولت‌های ایالتی ؛ ب- اصل خودمختاری هر کدام از واحدهای فدرال ؛ ج- اصل مشارکت هر یک از واحدهای فدرال در دولت مرکزی.

۵- کردستان عراق

کردستان عراق، بخشی از مناطق کردنشین خاورمیانه به شمار می‌رود که با وسعتی معادل ۷۵۰۰۰ کیلومتر مربع از موقعیتی کم و بیش میانی و مرکزی در بین مناطق کردنشین پیرامونی برخوردار است؛ به عبارتی دیگر کردستان عراق به عنوان حلقه پیوندی میان کردستان ایران با کردستان ترکیه و سوریه محسوب می‌شود. این بخش از کردستان، سرزمینی است غنی و کوهستانی که از سلسله زاگرس واقع در کردستان ایران به سوی کوهستان‌های ترکیه کشیده شده است. از مجموع استان‌های عراق چهار استان کرکوک، اربیل، سلیمانیه و دهوک در خاک کردستان واقع شده‌اند. با این حال بخش‌هایی از مناطق کردنشین عراق خارج از چهار استان فوق واقع شده‌اند. برای مثال استان نینوا شامل بخش‌های کردنشین عفره، شیخان، سنجار و



زمار است، استان دیاله بخش‌های کردنشین خانقین، مندلی، میدان و قره تو را شامل می‌شود و استان واسط که شامل بخش کردنشین بدره است (کندل، ۱۳۷۹: ۱۷۴-۱۷۵). کردستان عراق با دارا بودن ۱۷ درصد از مساحت عراق و ۲۸ درصد جمعیت این کشور (عزتی، ۱۳۸۱: ۳۳۱) موقعیت ممتازی را به لحاظ استراتژیکی در اختیار دارد. قرار گرفتن حدود ۵۰ درصد از ذخایر انرژی نفت و گاز عراق در مناطق کردنشین، در اختیار داشتن بخش‌های بالادست اکثر رودهای جاری در عراق نظیر دجله، زاب کبیر، زاب صغیر و دیاله (سیروان)، و نیز داشتن وضعیت اقلیمی مناسب نسبت به بقیه مناطق کشور و به تبع آن بالا بودن تراکم جمعیت در آن و همچنین عبور راه‌های ارتباطی زمینی و هوایی مناطق مرکزی و جنوبی عراق از کردستان به منظور ارتباط با ترکیه و سایر کشورهای اروپایی و ... همه باعث بالارفتن وزن ژئوپلیتیکی کردستان عراق در این کشور شده است.



شکل ۱ نقشه موقعیت مناطق کردنشین عراق (Source: www.wepkimedia.com)

۶- یافته‌های تحقیق

۱-۶ - روند شکل‌گیری حکومت منطقه‌ای کردستان

با شکست سهمگینی که جنبش کرد در عراق بعد از اتمام جنگ هشت ساله ایران و عراق به آن دچار شده بود و نماد آن عملیات انفال و شیمیایی زدن شهر حلبچه بود، کمتر کسی به بقا و تداوم آن امید داشت. در چنین شرایط و اوضاعی بود که تهاجم عراق به کویت در ۲ آگوست ۱۹۹۰ و تصمیم جامعه جهانی به اعمال تحریم‌ها و تهدید به مقابله نظامی برای عقب‌نشینی بی‌قید و شرط عراق، فرصتی اعجاز‌آمیز به جنبش کردی در عراق عرضه کرد (مک‌داول، ۱۳۸۳: ۵۷۹). با پایان جنگ خلیج فارس و شکست ارتش عراق از نیروهای چند ملیتی، ناآرامی‌های داخلی سراسر خاک عراق را فرا گرفت. سرکوب شدید ناآرامی‌ها از سوی حکومت مرکزی عراق باعث واکنش شورای امنیت سازمان ملل و تصویب قطعنامه ۶۸۸ در حمایت از مردم آواره عراق شد. در پی تصویب این قطعنامه مناطق امنی در شمال و جنوب این کشور تحت نظارت نیروهای چند ملیتی به وجود آمد و به دنبال آن استان‌های کردنشین سلیمانیه، اربیل و دهوک که در شمال مدار ۳۶ درجه قرار داشتند، در عمل از نفوذ و حضور بغداد رهایی پیدا کرده و تحت حاکمیت احزاب و گروه‌های کرد قرار گرفتند (کرمی، ۱۳۷۶: ۲۰۴). پس از آزادسازی این مناطق از قید نفوذ بغداد، به منظور پایان بخشیدن به هرج و مرج حاکم بر منطقه در نبود یک تشکیلات متمرکز دولتی، یک پارچه کردن قدرت نظامی و نیروهای پیشمرگ، مقابله با تحریم‌های سیاسی-اقتصادی بغداد، ایجاد مشروعیت و مبنایی قانونی برای حکومت خود مختار کرد و در نهایت تدوین و تنظیم مجدد اهداف ملی مردم کرد، انتخابات مجلس و رهبری به تاریخ ۱۹ مه سال ۱۹۹۲ در کردستان عراق برگزار شد (شیخ‌عطار، ۱۳۸۲: ۲۱۴). پارلمان منتخب مردم کردستان در تاریخ ۴ ژوئیه ۱۹۹۲ دولتی را به اسم «حکومت منطقه ای کردستان»^۱ به ریاست «دکتر فواد معصوم» برای اداره منطقه برگزید که شامل یک کابینه ۱۵ نفره مرکب از وزیرانی از احزاب اسلامی، کمونیست، آشوری‌ها و ترکمن‌ها می‌شد (کوچرا، ۱۳۷۹: ۱۴۷). پارلمان کردستان سپس در تاریخ ۱۹۹۲/۱۰/۴ نوع ارتباط

1 Kurdistan Regional Government (KRG)



«حکومت منطقه‌ای کردستان» با حکومت عراق را براساس شیوه اتحادیه فدرالی در عراق اعلام کرد. در بیان نامه اعلام رسمی اتحادیه فدرالی، به اصول و قطعنامه‌ها و قوانینی استناد شده است که این حق را به ملت کرد می‌دهند که سرنوشت خود را رقم بزنند. از جمله: قطعنامه ۶۸۸ شورای امنیت سازمان ملل، قطعنامه شماره ۷۱ گروه حقوق بشر سازمان ملل در سال ۱۹۹۲، بیانیه رسمی حکومت عراق و بریتانیا در سال ۱۹۲۲ به منظور تأسیس حکومت در عراق، اعلان رسمی حکومت عراق در تاریخ ۱۹۳۲/۵/۳۰ که در آن به عضویت درآمدن کشور عراق در جامعه ملل مشروط به محترم شمردن حقوق بشر به طور اعم و حقوق اقلیت‌ها به طور اخص شد (عمرگل، ۱۳۸۱: ۳۶۶). با وجود جنگ داخلی سه ساله در فاصله سال‌های ۱۹۹۴ تا ۱۹۹۷ بین دو حزب حاکم و مسلط منطقه کردستان، یعنی حزب دمکرات کردستان عراق و اتحادیه میهنی که در نهایت منجر به تجزیه و تقسیم پارلمان، کابینه و نیز منطقه تحت حاکمیت گردید ولی با این حال برخی از صاحب‌نظران از این دوره ۱۲ ساله حاکمیت کردها (۱۹۹۱-۲۰۰۳) با نام عصر طلایی کردها یاد می‌کنند. این تجربه دوازده ساله حکومتی، بزرگ‌ترین دوره خود مختاری داخلی تاریخ کردها در طول قرن بیستم به شمار می‌رود. رسمیت یافتن زبان کردی در استان‌های کردنشین، تأسیس چند صد مدرسه از جمله مدارس ترکمنی، آشوری و کلدانی، انتشار طیف گسترده‌ای از مطبوعات، تأسیس چندین کانال و شبکه رادیو و تلویزیونی، افزایش فزاینده تعداد پزشکان و امید به زندگی در مقابل کاهش مرگ و میر و جرم و جنایت، تسهیلات ورزشی، اعمال خود اتکایی و استقرار نظام مالیاتی منطقه‌ای، احداث کارخانه‌ها، پالایشگاه‌ها، جاده‌ها، بزرگراه‌ها، فروشگاه‌های بزرگ، هتل‌های درجه یک، گسترش تجارت مرزی، ارتقای شاخص‌های اقتصادی، برگزاری انتخابات پارلمانی با حضور اقلیت‌های قومی- مذهبی و احزاب کمونیست و اسلامی، تأسیس نظام پارلمانی با حق نمایندگی برای آشوری‌ها و ترکمن‌ها، حضور وزرای ترکمن و مسیحی در کابینه محلی، بخشی از اقدامات گسترده‌ای است که به زعم کردها در دوران طلایی انجام شده است (مقصودی، ۱۳۸۴: ۱۳۰-۱۳۲). با این حال، می‌توان گفت که عمده‌ترین دستاورد مثبت انتخابات ۱۹ مه سال ۱۹۹۲، برای کردهای عراق، به رسمیت شناخته شدن یک چارچوب فدرال برای آینده عراق از سوی افراد معارض عراقی در تاریخ ۲۷ اکتبر سال ۱۹۹۲ در شهر کردنشین

«صلاح الدین» بود. نتیجه بی‌سابقه و مثبت این کنفرانس برای کردها، تصمیم به تبدیل عراق به یک دولت دموکراتیک و فدرال پس از سقوط دولت صدام بود؛ موضوعی که به عنوان یک منشأ مشروعیت دولت محلی کرد به آن استناد می‌شود (Gunter, 1993: 65).

۶-۲- علت وجودی و ادامه بقای حکومت منطقه‌ای کردستان

جغرافی‌دانان سیاسی، مطالعه یک واحد سیاسی را در سطوح مختلف کشوری، فدرال و کشوری و یا درون کشوری با بررسی علت ظهور آن که اندیشه بنیادین تأسیس آن واحد سیاسی به شمار می‌رود، آغاز می‌کنند. واحدهای سیاسی پس از به‌وجود آمدن، برای بقای خود به هماهنگی و هم‌سویی ساکنان گستره جغرافیایی خویش نیازمندند و این امر در صورتی تحقق پیدا می‌کند که آن واحد سیاسی با «علت وجودی»^۱ یا «اندیشه سیاسی» خود، تابعیت مردم نواحی مختلف را جذب کند و هویتی فراگیر به‌وجود آورد (میرحیدر، ۱۳۸۲: ۸۷).

برای ادامه بقای یک واحد سیاسی، نیروهای مرکزگرا باید بر نیروهای مرکز گریز غلبه کنند. به نظر هارتشورن اساسی‌ترین نیروی مرکزگرا، علت وجودی یک کشور است که امکان دارد شدت و وحدت آن از وفاداری به یک رهبر مردمی یا ترس از بیگانگان تا کارکرد یک نیروی ناسیونالیسم جدید در داخل یک کشور دموکراتیک متنوع باشد (Muir, 1975: 89).

«حکومت منطقه‌ای کردستان» به عنوان یک واحد سیاسی درون کشوری دارای «علت وجودی» مخصوص به خود می‌باشد که منجر به پایداری و ادامه بقای آن در طول هفده سال اخیر شده است. کردهای عراق از یک سو به لحاظ فرهنگ، زبان، قومیت، نژاد، تاریخ و ناسیونالیسم از عرب‌های عراق متمایز بوده و دارای ویژگی‌های فرهنگی ویژه خود می‌باشند و از سوی دیگر سیاست حکومت‌های مرکزی در عراق در طی هشت دهه اخیر همواره در راستای مهم جلوه دادن فرهنگ عربی و نفی فرهنگ و زبان کردی حرکت کرده است که این امر می‌تواند به عنوان عوامل درون‌زا و زیربنایی در ظهور و پایداری حکومت منطقه‌ای کردستان محسوب شود. هم‌چنین استعمار داخلی کردستان عراق به وسیله حکومت‌های مرکزی

1. Rasion detre



در بغداد که با وجود منابع غنی نفت و گاز و دارا بودن رودخانه‌های مهم و پر آب و زمین‌های حاصلخیز و مراتع فراوان به یکی از عقب مانده‌ترین مناطق عراق تبدیل شده بود، در کنار تهدیدات بیرونی از جانب کشورهای همسایه و به‌خصوص تهدیدات ترکیه و رقابت‌های قدرت‌های منطقه‌ای برای اعمال نفوذ در آن و علاقه‌های قدرت‌های جهانی از عوامل برون‌زا و روبنایی شکل‌گیری و بقای حکومت منطقه‌ای کردستان به شمار می‌رود.

در کل می‌توان گفت که مداومت ناسیونالیسم کردی در عراق بر احقاق حقوق پایمال شده کردها در قالب خود مختاری و فدرالیسم، در کنار برخی عوامل و نیروهای منطقه‌ای و بین‌المللی و تغییر در ساختار ژئوپلیتیک جهانی در نهایت به تشکیل حکومت منطقه‌ای کردستان منتهی شد.

۶-۳- ویژگی‌های ساختاری و کارکردی حکومت منطقه‌ای کردستان

برای مقایسه حکومت‌های مختلف در سیستم‌های گوناگون متمرکز و غیر متمرکز توجه به ویژگی‌های ساختاری و کارکردی آن‌ها ضروری است. ویژگی‌های ساختاری هر حکومتی را می‌توان در ابعاد ساختار کلی، ساختار شکلی، ساختار قدرت و الگوهای مشارکت مردم بررسی کرد و از میزان اختیارات و صلاحیت‌های آن حکومت در سطوح داخلی، ملی و بین‌المللی می‌توان به ویژگی‌های کارکردی آن پی برد.

۶-۳-۱- ویژگی‌های ساختاری

حکومت منطقه‌ای کردستان، ایالتی فدرال در داخل دولت فدرال عراق است که سیستم سیاسی آن جمهوری پارلمانی بوده و بر مبنای تکثر سیاسی و انتقال مسالمت‌آمیز قدرت و متمایز بودن قوای سه‌گانه از هم قرار دارد. این منطقه هم اکنون سه استان اربیل، دهوک و سلیمانیه را در بردارد، ولی برای تعیین مرزهای نهایی اداری آن باید به ماده ۱۴۰ قانون اساسی دایم عراق رجوع شود. مردم سرچشمه اصلی قدرت در این حکومت به شمار آمده و قانون اساسی کردستان بر سایر قوانینی که از سوی حکومت مرکزی عراق صادر می‌شود، به استثنای موارد ذکر شده در ماده ۱۱۰ قانون اساسی فدرال عراق اولویت دارد (عونی، ۲۰۰۷: ۱). براساس مواد

۱۱۷ و ۱۱۸ قانون اساسی دایم عراق، حکومت‌های منطقه‌ای و از جمله حکومت منطقه‌ای کردستان از اختیارات و صلاحیت‌های زیر برخوردارند:

۱- هر منطقه فدرال می‌تواند قانونی برای خود تدوین کند که ساختار حکومت منطقه و اختیارات مقامات آن و سازوکار اجرایی این اختیارات را به گونه‌ای که با قانون اساسی دایم در تناقض نباشد، مشخص کند؛

۲- مقامات فدرال حق دارند از اختیارات قانون‌گذاری، اجرایی و قضایی این قانون اساسی استفاده کنند، به استثنای مواردی که به عنوان اختیارات انحصاری مقامات فدرال تعیین شده است؛

۳- مسؤولان مناطق فدرال می‌توانند در اجرای قوانین فدرالی در هر منطقه در صورتی که بین قانون فدرال و قانون منطقه تداخل نشود، اصلاحاتی ایجاد کنند؛

۴- دولت هر منطقه فدرال می‌تواند هر آن چه را که برای اداره منطقه لازم باشد به‌ویژه تشکیل نیروهای امنیت داخلی منطقه و ... را ایجاد کند (برزگر، ۱۳۸۵: ۱۴۸).

بر اساس ماده ۷۸ قانون اساسی کردستان عراق، ساختار کلی حکومت منطقه‌ای کردستان در قالب یک ایالت فدرال از سه قوه مقننه، مجریه و قضاییه تشکیل شده است. پارلمان کردستان، قوه قانون‌گذاری در داخل منطقه کردستان به شمار می‌رود و مرجع اظهار نظر درباره مسائل سرنوشت‌ساز ملت کردستان بوده و اعضای آن به طور مستقیم از سوی مردم انتخاب می‌شوند. پارلمان کردستان علاوه بر قانون‌گذاری از حقوق و اختیاراتی نظیر دادن رأی اعتماد به وزیران و استیضاح آنان، نظارت بر قوه مجریه و تحقیق و تفحص از نخست‌وزیر و هیأت وزیران، برکناری نخست‌وزیر و ... برخوردار است. قوه مجریه منطقه کردستان از رئیس منطقه و هیأت وزیران که مرکب از نخست‌وزیر و وزراست، تشکیل شده است. رئیس منطقه کردستان، رئیس عالی اجرایی منطقه و فرمانده کلی نیروی نظامی پیشمرگ و نماینده مردم کردستان در مراسم‌های ملی و میهنی است و هماهنگی‌های لازم را در بین مؤسسات حکومت فدرال و حکومت منطقه‌ای کردستان ایجاد می‌کند و به طور مستقیم از سوی شهروندان منطقه کردستان در یک انتخابات سراسری برای مدت چهار سال انتخاب می‌شود (عونی، ۲۰۰۷: ۱۷).



قدرت اجرایی و اداری در داخل منطقه کردستان بر عهده هیأت وزیران است که از نخست‌وزیر و وزرا تشکیل شده است و تحت نظارت رئیس منطقه وظایف خود را به انجام می‌رساند.

قوه قضاییه منطقه کردستان نیز که متشکل از شورای قضایی دادگاه قانون اساسی، دادگاه تجدیدنظر، شورای قضایی نظارت و دادگاه‌هاست که به طور کامل مستقل از سایر قوا عمل می‌کند. انجمن قضایی منطقه کردستان، اجرای امور مربوط به قوه قضاییه و نظارت بر هیأت‌های قضایی و محافظت از استقلال این قوه را بر عهده دارد (عونی، ۲۰۰۷: ۲۴). رئیس قوه قضاییه به طور مستقیم از جانب رئیس منطقه کردستان انتخاب می‌شود.

به لحاظ عمودی نیز با توجه به آن که حکومت منطقه‌ای کردستان به لحاظ ساختاری در بعد عمودی، غیر متمرکز است، بنابراین در رده‌های پایین‌تر نیز دارای سطوح مختلف سیاسی-اداری است. رده‌های سازمانی و اداری نظام حکومتی در سطوح استان، شهرستان و ناحیه در چارچوب وظایف و اختیارات تعریف شده، ماهیت کارگزاری دارند و در امور اجرایی به طور کامل مستقل هستند و در چارچوب انجمن‌های منتخب استان، شهرستان و نواحی عمل می‌کنند.

بر اساس ماده ۱۴۳ قانون اساسی، هر کدام از واحدهای اداری - قضایی منطقه کردستان، یعنی استان، شهرستان و ناحیه بر اساس اصول عدم تمرکز اداری دارای انجمن‌های محلی خواهند بود که در انتخاباتی عمومی و به صورت مستقیم از جانب مردم انتخاب می‌شوند. انجمن‌های محلی پس از انتخاب از سوی مردم یک هیأت اجرایی برای اداره آن واحد اداری-قضایی انتخاب می‌کنند. انتخاب استانداران، فرمانداران و شهرداران به وسیله انجمن استان و شهرستان به ترتیب صورت می‌گیرد (عونی، ۲۰۰۷: ۳۲).

در ماده ۵۷ قانون اساسی دایم عراق چنین آمده است که تمام صلاحیت‌هایی را که در اختیار دولت مرکزی عراق نیست، می‌توان از راه دولت‌های منطقه‌ای و انجمن‌های استانی به انجام رساند. ضمن آن که انجمن‌های استانی، حکومت فدرال را در اجرای عملیات جاری فدرالیسم در داخل استان از قبیل بازنگری برنامه‌های سالیانه و بودجه و... کمک خواهند

کرد (خبرگزاری مهر، ۱۳۸۲: ۱۹). در مجموع از تحلیل الگوی کانونی ساختار قدرت در نظام حکومتی منطقه کردستان چنین بر می‌آید که:

نخست قدرت در سطح کلان ملی و حکومتی تقسیم شده است و هر کدام از قوا بخشی از قدرت را در دست دارند و ثقل قدرت در نهاد ریاست منطقه کردستان متمرکز شده است که به طور مستقیم از سوی مردم انتخاب می‌شود. دوم با انتخاب یک حکومت پارلمانی و هیأت وزیران مسؤول و پاسخ‌گو در برابر نمایندگان پارلمان، جلوی استبداد فردی را گرفته و نقش مردم را در فرایندهای سیاسی و اداری پر رنگ‌تر کرده است.

الگوی پخش قدرت سیاسی نیز در داخل منطقه کردستان به لحاظ جغرافیایی و فضایی از یک ساختار غیر متمرکز تبعیت می‌کند و به شیوه زیر است:

در مرحله بعد از قوای سه‌گانه مستقر در مرکز حکومت منطقه‌ای کردستان، انجمن‌های استان، شهرستان و نواحی قرار دارند که به طور مستقیم از جانب مردم انتخاب می‌شوند و از اختیارات اجرایی و قانون‌گذاری در سطح محلی برخوردارند و تحت کنترل و نظارت هیچ وزارتخانه‌ای نیستند. انجمن‌های استان در چارچوب مرزهای استانی و انجمن‌های شهرستان در محدوده شهرستان خود از قدرت بالایی در رتق و فتق امورات محلی برخوردارند و از آن جا که به طور مستقل فعالیت می‌کنند و به طور مستقیم از جانب مردم برگزیده می‌شوند، منجر به پخش قدرت سیاسی و اجرایی در بعد فضایی در داخل قلمرو حکومت منطقه‌ای کردستان شده‌اند. به طور کلی با تحلیل ویژگی‌های ساختاری حکومت منطقه‌ای کردستان می‌توان خصوصیات زیر را برای نظام سیاسی آن برشمرد:

- ۱- مردم سالار و دموکراتیک بودن؛
- ۲- تأثیرپذیری از ویژگی‌های عمومی ملت کردستان؛
- ۳- به رسمیت شناختن حقوق اقلیت‌ها؛
- ۴- به رسمیت شناختن حقوق زنان؛
- ۵- تمرکززدایی قدرت سیاسی و اجرایی در ابعاد کانونی و فضایی؛
- ۶- عمل در چارچوب سیستم اقتصاد آزاد (قربانی‌نژاد، ۱۳۸۷: ۱۸۵-۱۸۹).



۶-۳-۲- ویژگی‌های کارکردی

وظایف و عملکردهای اجرایی، قانون‌گذاری و قضایی در داخل منطقه کردستان، عموماً به وسیله حکومت منطقه‌ای کردستان، پارلمان کردستان و نهادهای قضایی به انجام می‌رسد (Natasha, 2002:63). به طور کلی به لحاظ کارکردی، حکومت منطقه‌ای کردستان برای نیل به اهداف و خواسته‌های خود و پاسخ‌گویی به شهروندان خویش در سه سطح داخلی (کردستان عراق)، ملی (کشور عراق) و بین‌المللی از کارکردهای زیر برخوردار است. در سطح داخلی، صلاحیت مربوط به اجرای قوانین و لوایح مصوب پارلمان کردستان، محافظت از امنیت داخلی منطقه و ثروت‌های عمومی آن، طرح سیاست‌های کلی منطقه با مشارکت رئیس منطقه، تهیه بودجه عمومی منطقه، تهیه پروژه‌ها و لوایح قانونی و تقدیم آن به پارلمان کردستان عراق، صدور فرامین و دستورات اجرایی و اداری، سرپرستی کردن و نظارت بر امور وزارتخانه‌ها و مؤسسات و مکان‌های عمومی منطقه کردستان و ایجاد هماهنگی در بین آن‌ها، تأسیس ادارات دولتی و استخدام کارمندان در منطقه کردستان، انتخاب افراد شایسته برای تصدی سمت‌های اختصاص یافته به منطقه کردستان در ادارات و وزارتخانه‌های حکومت فدرال با رضایت پارلمان کردستان، تشکیل و مدیریت نیروهای امنیت داخلی نظیر پلیس و محافظان اقلیم، به انجام رساندن اختیارات مشترک میان حکومت فدرال و حکومت‌های مناطق و ... بر عهده حکومت منطقه‌ای کردستان است (عونی، ۲۰۰۷: ۲۱).

در سطح ملی نیز، حکومت منطقه‌ای کردستان به نسبت وزن ژئوپلیتیکی و سیاسی خود در اداره حکومت فدرال عراق نقش دارد. تجربه دوازده ساله خودگردانی در شمال عراق در کنار مشارکت همه جانبه کردها در انتخابات سراسری پس از سقوط صدام، آنان را در فرایند تصمیم‌گیری برای کلیت عراق فدرال در موقعیت بهتری قرار داده است. به این ترتیب براساس توافق بین گروه‌های پیروز در انتخابات سراسری مجمع ملی عراق، همواره یکی از سه شغل حساس و مهم ریاست جمهوری، نخست‌وزیری و ریاست پارلمان فدرال و نیز یکی از سه وزارتخانه کلیدی امور خارجه، کشور و نفت در سطح ملی به کردها اختصاص پیدا می‌کند. به این ترتیب ترتیب امروزه کردها در سطح ملی عراق با در اختیار داشتن سمت‌های حساس ریاست جمهوری، وزارت امور خارجه، معاونت نخست‌وزیری، معاونت رئیس پارلمان و

تعدادی از وزارتخانه‌های دیگر نقش فعالی را در چارچوب عراق فدرال ایفا می‌کنند. در زمینه اختیارات حکومت منطقه‌ای کردستان در سطح بین‌المللی و روابط با سایر کشورها و نهادهای خارجی هم، در ماده ۲۲ از فصل چهارم قانون اساسی عراق آمده است که: «حکومت‌های منطقه‌ای می‌توانند در زمینه‌های مورد نظر و هم چنین امور محلی با کشورهای دیگر به امضای توافق‌نامه بپردازند هم چنین می‌توانند به طور مستقیم با گروه‌های خارجی که هم سطح خودشان هستند، روابط داشته باشند (برزگر، ۱۳۸۵: ۱۶۷). بر اساس این ماده اجازه داشتن روابط خارجی با سایر کشورها به حکومت منطقه‌ای کردستان داده شده است. در این ارتباط در ماده ۹ قانون اساسی کردستان عراق نیز چنین آمده است که «حکومت منطقه‌ای کردستان می‌تواند در محدوده اختیارات و قدرت خویش و در ارتباط با قوانینی که خارج از قدرت معین حکومت مرکزی بغداد هستند، توافق‌نامه‌هایی را با حکومت‌های منطقه‌ای کشورهای خارجی به امضا برساند (عونی، ۲۰۰۷: ۳). به این ترتیب حکومت منطقه‌ای کردستان در چارچوب جمهوری فدرال عراق، از اختیارات قانونی در زمینه برقراری روابط با کشورهای خارجی، چه در سطح دولت‌های منطقه‌ای و ایالتی و چه در سطح دولت‌های مرکزی برخوردار شده است.

۷- تجزیه و تحلیل یافته‌های تحقیق

با توجه به آن که این تحقیق فاقد مطالعات میدانی، آماری و پرسشنامه‌ای بوده و تنها بر پایه مطالعات کتابخانه‌ای صورت گرفته است، پس بر این اساس در پی ارزیابی فرضیه به تجزیه و تحلیل زیر منجر شده است.

از بررسی ویژگی‌های ساختاری و کارکردی حکومت منطقه‌ای کردستان و مقایسه آن با الگوهای کلاسیک خودمختاری و فدرالیسم چنین استنتاج می‌شود که این حکومت در مواردی مانند برخورداری از یک مرکزیت سیاسی، داشتن پارلمان و قوای مجریه و قضاییه محلی، داشتن نمایندگی در پایتخت فدرال از راه شرکت در قوای مجریه و مقننه، تهیه بودجه منطقه کردستان، تشکیل نیروهای پلیس برای تأمین نظم و برقراری آسایش در منطقه، توزیع و تقسیم



قدرت در ابعاد کانونی و قضایی، تأسیس ادارات دولتی و استخدام کارمندان در سطح منطقه، صدور دستورات اجرایی و اداری در سطح منطقه بر اساس قانون اساسی، داشتن قانون اساسی ویژه منطقه کردستان، وضع قوانین و سیاست‌های لازم و سازگار با هویت، فرهنگ و آداب و رسوم مربوط به خود و ... با سایر الگوهای غیر متمرکز نظیر خودمختاری و فدرالیسم شباهت دارد. ولی با وجود این شباهت‌ها، حکومت منطقه‌ای کردستان دارای ویژگی‌هایی است که آن را از سایر الگوهای غیر متمرکز متمایز می‌سازد. ویژگی‌هایی هم‌چون آزادی برقراری روابط خارجی با حکومت‌های مرکزی و ایالتی کشورهای دیگر، در اختیار داشتن نیروهای نظامی - دفاعی موسوم به «پیشمرگ» یا «حافظان اقلیم» برای حفاظت از منطقه کردستان، اولویت داشتن قانون اساسی و قوانین مصوب پارلمان کردستان بر قوانین حکومت و پارلمان مرکزی عراق، انتخاب سیستم سه قوه و تفکیک قوای سه‌گانه از هم در منطقه کردستان، توانایی پارلمان کردستان در وتو کردن و اصلاح قوانین فدرال، در اختیار داشتن مدیریت ثروت‌های عمومی مثل نفت و گاز در منطقه کردستان، در اختیار داشتن شغل‌های حساس و کلیدی در حکومت مرکزی مثل ریاست جمهوری که در مواقع ضرورت مانند اهرم فشار حکومت منطقه کردستان عمل می‌کنند، توانایی نداشتن نیروی نظامی حکومت مرکزی عراق برای ورود به منطقه کردستان بدون موافقت رئیس منطقه و پارلمان کردستان، توانایی نداشتن حکومت مرکزی عراق در انحلال این حکومت و بازبینی قوانین و مقررات آن و ... کی. آر، جی^۱ را از الگوهای غیر متمرکز خودمختاری و فدرالیسم متمایز ساخته است؛ زیرا در نظام‌های غیر متمرکز امور مشترک دولت‌های ایالتی نظیر دفاع، سیاست خارجی، ارتباطات و سیاست پولی و بانکی و برقراری روابط با سایر کشورها در حیطه اختیارات و مسؤولیت‌های حکومتی مرکزی است و هیچ حقی در این موارد به دولت‌های ایالتی داده نشده است. ضمن آن که دولت‌های ایالتی تنها از حق داشتن نیروهای پلیس داخلی برای حفظ نظم و برقراری آسایش برخوردارند و حق تشکیل ارتش و نیروهای نظامی - دفاعی را ندارند.

1. KRG(Kurdistan Regional Government)

۸- نتیجه‌گیری

نتیجه‌ای که از این پژوهش به دست آمده است، نشان می‌دهد که الگوی کردستان عراق و حکومت منطقه‌ای آن با وجود داشتن نقاط مشترک فراوان با الگوهای خودمختاری و فدرالیسم، در زمره هیچ کدام از آنها قرار نمی‌گیرد، زیرا اختیارات و صلاحیت‌هایی که در چارچوب قانون اساسی عراق به حکومت منطقه‌ای کردستان اعطا شده است، نظیر برقراری روابط خارجی، داشتن نیروی نظامی موسوم به «پیشمرگ» یا «حافظان اقلیم» که در حکم ارتش و وظیفه دفاع از مرزهای منطقه فدرال را عهده‌دار هستند، انتخاب سیستم سه قوه و تفکیک قوای سه‌گانه از هم در اداره منطقه فدرال کردستان، توزیع قدرت در ابعاد کانونی و فضایی براساس قانون، توانایی پارلمان کردستان در وتو کردن و اصلاح قوانین فدرال، اولویت قوانین مصوب پارلمان کردستان بر قوانین حکومت و پارلمان فدرال، در اختیار داشتن شغل‌های کلیدی و حساس در حکومت مرکزی که در مواقع ضرورت مانند اهرم فشار کی. آر. جی عمل می‌کنند و ... باعث شده است که الگوی کردستان عراق در مرحله بالاتری از خودمختاری و فدرالیسم موجود در دنیا قرار بگیرد؛ به عبارتی دیگر، مدل کردستان عراق نه در چارچوب الگوهای کلاسیک خودمختاری می‌گنجد و نه می‌توان آن را در زمره الگوهای مختلف فدرالیسم موجود در جهان طبقه‌بندی کرد بلکه در یک حالت بینابینی بین فدرالیسم و استقلال قرار دارد. بر همین اساس و بر پایه یافته‌های این تحقیق، عنوان «فرا فدرالی»^۱ برای الگوی خودگردانی کردستان عراق انتخاب و پیشنهاد شده است. ویژگی‌هایی که می‌توان از روی الگوی کردستان عراق برای الگوی فرا فدرالی برشمرد، به شرح زیر است:

۱. چنین کشورهایی از چندین گروه قومی و مذهبی عمده تشکیل شده‌اند؛ به طوری که هر کدام از این اقوام و گروه‌ها دارای ساختار اکولوژیک منحصر به فرد و در نتیجه قدرت بلامنازع در فضای جغرافیایی تحت کنترل خود دارند و بدون مشارکت همه جانبه همه اقوام و گروه‌ها، اداره کشور امکان‌پذیر نمی‌باشد؛

1. Trans- Federal



۲. هر یک از واحدها و مناطق درون کشوری به نسبت جمعیت و وزن ژئوپلیتیکی خود و نیز میزان کرسی‌هایی که در پارلمان مرکزی به دست آورده است، در اداره قوای مقننه، مجریه و قضاییه حکومت مرکزی مشارکت می‌کند و مسئولان حکومت مرکزی در رده‌های مختلف به عنوان نماینده یک گروه قومی و مذهبی مشخص انتخاب می‌شوند که با وجود وفاداری به کلیت و یکپارچگی کشور، علاقه‌های محلی و ناحیه‌ای فراوانی را از خود بروز می‌دهند؛
۳. در چنین الگویی هر کدام از مناطق دارای حکومت منطقه‌ای ویژه می‌باشند که از قوای مقننه، مجریه و قضاییه تشکیل شده است و مسئولان هر کدام از این قوا بدون دخالت حکومت مرکزی، به طور مستقیم از جانب مردم همان منطقه انتخاب می‌شوند؛
۴. هر یک از واحدهای تشکیل‌دهنده چنین کشوری دارای نیروی نظامی - دفاعی مخصوص به خود است که تحت فرمان و اوامر رئیس همان منطقه از کشور انجام وظیفه می‌کند. این نیروها وظیفه دفاع از مرزهای منطقه خویش را برعهده دارند؛
۵. در این سیستم ایالت‌های تشکیل‌دهنده کشور از حق برقراری روابط خارجه با سایر کشورها و حکومت‌های منطقه‌ای برخوردارند؛
۶. هر کدام از ایالت‌ها و مناطق در این سیستم دارای قانون اساسی، پرچم، سرود ملی و نمادهای ملی مختص به خود هستند؛
۷. قوه مقننه هر کدام از حکومت‌های مناطق حق اصلاح و توی قوانین و مصوبات پارلمان مرکزی را دارد؛
۸. در این الگو زمان ایجاد اختلاف بین قوانین و مصوبات حکومت مرکزی با قوانین و مقررات حکومت‌های منطقه‌ای، اولویت با قوانین حکومت منطقه‌ای است؛
۹. نیروهای نظامی حکومت مرکزی بدون موافقت پارلمان و رئیس یک منطقه، اجازه ورود به آن منطقه را ندارند؛
۱۰. در این الگو حکومت مرکزی حق انحلال نهادهای حکومتی مناطق و بازبینی قوانین و مقررات آن را ندارد.

۹- منابع

- احمدی ک.؛ عراق پس از سقوط بغداد؛ تهران: نشر وزارت امور خارجه، ۱۳۸۴.
- امیدی ع.؛ خودمختاری و مدیریت مناقشات سیاسی جوامع دارای اقلیت قومی؛ پایان‌نامه دکتری، تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۸۰.
- برزگر ک.؛ سیاست خارجی ایران در عراق جدید؛ تهران: نشرمرکز تحقیقات استراتژیک، ۱۳۸۵.
- حافظ نیا م.ر.؛ مبانی مطالعات سیاسی - اجتماعی؛ قم: نشر سازمان حوزه‌ها و مدارس علمیه خارج از کشور، ۱۳۷۹.
- حافظ نیا م. ر.؛ جغرافیای سیاسی ایران؛ تهران: نشر سمت، ۱۳۸۱.
- حافظ نیا م. ر.، کاویانی راد م.؛ افق‌های جدید در جغرافیای سیاسی؛ تهران: نشر سمت، ۱۳۸۳.
- خبرگزاری مهر؛ متن قانون اساسی موقت عراق؛ www.mehrnews.com، ۱۳۸۲.
- خوبروی پاک م. ر.؛ نقدی بر فدرالیسم؛ تهران: نشر شیرازه، ۱۳۷۷.
- خوبروی پاک م. ر.؛ تمرکززدایی و خودمدیری؛ تهران: نشر چشمه، ۱۳۸۴.
- شیخ عطارع. ر.؛ کردها و قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای؛ تهران: نشر مرکز تحقیقات استراتژیک، ۱۳۸۲.
- عالم ع.؛ بنیادهای علم سیاست؛ تهران: نشر نی، ۱۳۸۰.
- عزتی ع.؛ تحلیلی بر ژئوپلیتیک ایران و عراق؛ تهران: نشر وزارت امور خارجه، ۱۳۸۱.
- عمرگل م.؛ سازمان برجسته کردن شخصیت حقوقی بین‌المللی کرد؛ ترجمه: عدنان حسینی، فصلنامه رافه، ش. ۳، تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۸۱.
- عون ع.؛ قانون اساسی کردستان عراق؛ www.krg.ir، ۲۰۰۷.
- قربانی نژاد ر.؛ بررسی تطبیقی الگوی خودگردانی در کردستان عراق با الگوهای خودمختاری و فدرالیسم، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، به راهنمایی دکتر محمدرضا حافظ‌نیا، تهران: دانشگاه تربیت مدرس، ۱۳۸۷.
- کرمی ج.؛ گزارشی از تحولات شمال عراق در دهه ۱۹۹۰؛ مجله سیاست دفاعی، ش. ۲۰-۲۱، تهران، ۱۳۷۶.
- کندال و دیگران؛ کردها؛ ترجمه: ابراهیم یونسی، تهران: نشر روزبهان، ۱۳۷۹.



- کوچرا ک؛ جنبش ملت کرد و خواست استقلال؛ ترجمه: عزیز ماملی. بی نا، بی جا، ۱۳۷۹.
- لازریف م. سی؛ کردستان و کرد و علل ایجاد بحران؛ ترجمه: بهزاد خوشحالی، سنندج، نشر میدیا، ۱۳۸۱.
- لیپست م. س؛ دایره المعارف دموکراسی؛ ترجمه: کامران فانی و دیگران، تهران: نشر وزارت امور خارجه، ۱۳۸۳.
- مقصودی م؛ عراق پس از سقوط بغداد؛ تهران: نشر وزارت امور خارجه، ۱۳۸۴.
- مک داوول د؛ تاریخ معاصر کرد؛ ترجمه: ابراهیم یونسی، تهران: نشر پانید، ۱۳۸۳.
- میرحیدر د؛ مبانی جغرافیای سیاسی؛ تهران: نشر سمت، ۱۳۸۲.
- Carver N.; Is Iraqi Kurdistan a state; *International Journal of Refugee Law*, Oxford University, 2002.
- Gunter M.; A defacto Kurdish state; *Third World Quarterly*, Vol: 14. No.2, 1993.
- Muir R ; *Modern political geography*; London, The Macmillan Press Lto
- www.wepkimedia.com , 1975.